

«گزارش مقدماتی بررسی الگوهای استقراری عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه گاماسیاب)»

دکتر حسن طلایی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

احمد چایچی امیرخیز

عضو هیات علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

محمدرفنا سعیدی هرسینی

عضو هیات علمی سازمان «سمت»

ژوئیه ۱۳۷۷

چکیده:

عصر مفرغ به دلیل همزمانی آن با تحولات آغاز شهرنشینی در مطالعات باستان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ نکته قابل توجه، آن است که این تحولات در تمامی فلات ایران به‌رغم ظهور خط در منطقه جنوب‌غربی ایران به یک میزان، تأثیرگذار نیستند و ما از تأثیرات و کنش فرهنگ‌های محلی و یا تأثیرگذار خارجی بر این پدیده اطلاعات کافی نداریم. زاگرس مرکزی و دشت نهاوند به لحاظ موقعیت جغرافیایی و وجود منابع زیست‌محیطی لازم، یکی از مناطق کلیدی جهت بررسی این پدیده به حساب می‌آید. فرهنگ یانیق یکی از فرهنگ‌هایی است که از طریق شمال‌غرب ایران تأثیرات خود را بر منطقه نهاده است که ما از میزان آن و همچنین گسترش جغرافیایی و رابطه آن با میانرودان و جنوب‌غربی ایران، آگاهی‌های کافی در اختیار نداریم. فرهنگ گودین III که نام خود را از محوطه گودین تپه - در دشت کنگاور و در مجاورت این منطقه - اخذ کرده است بلافاصله پس از فرهنگ یانیق، زاگرس مرکزی را تحت تأثیر قرار داده و این تأثیرات در حدود یک‌هزار سال به طول انجامیده است. در طی یک بررسی پیمایشی در دشت نهاوند در سال ۱۳۸۴ مجموعاً از ۳۶ محوطه بازدید شد که آثار آن از دوران مس‌سنگی تا دوران اسلامی را دربر می‌گرفت. ۱۶ محوطه شناسایی شده، معرف آثار عصر مفرغ در منطقه بود. مقاله حاضر به شناسایی الگوهای استقراری منطقه در عصر مفرغ به کمک تحلیل داده‌های باستان‌شناختی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: نهاوند، عصر مفرغ، فرهنگ یانیق، گودین، گیان.

مقدمه:

شهرستان نهاوند از شهرستانهای استان همدان می‌باشد که در ۱۲۵ کیلومتری جنوب همدان قرار گرفته و شهر نهاوند در دامنه شمال کوه گرین و در جلگه‌ای نسبتاً مرتفع بنا شده و رودخانه گاماسیاب از ۲ کیلومتری جنوب و ۱ کیلومتری غرب آن می‌گذرد. (فرهنگ جغرافیایی همدان، ۱۳۵۵) این شهرستان، شامل بخش مرکزی با دهستانهای گاماسیاب، شعبان، طریق‌الاسلام، فضل، گیان و همچنین خزل که مرکز آن فیروزآباد (فیروزان) است و شامل دهستانهای خزل شرقی و سلگی می‌شود. ارتفاعات گرین در ۸ کیلومتری جنوب نهاوند قرار گرفته که برف‌گیری آن سبب جاری شدن سرابها و رودهای فراوانی در سطح منطقه می‌شود. در تقسیم‌بندی حوضه‌های آبریز ایران، رودخانه‌های نهاوند در حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان قرار می‌گیرد. مهمترین رودخانه نهاوند، گاماسیاب است که سرچشمه اولیه آن در جنوب شهرستان نهاوند و در ارتفاعات گرین قرار دارد. این رودخانه تقریباً تمام خاک نهاوند را درنوردیده و پس از عبور از خاک نهاوند وارد استان کرمانشاه می‌شود. شعبات دیگری نیز در حوالی کوه الوند در همدان و ملایر و تویسرکان، آن را پرآب می‌سازند. این رودخانه در طول مسیر خود علاوه بر مشروب نمودن مناطق حاصلخیز، نقش فراوانی در محیط زیست مناطق مختلف مسیر خود دارد؛ در استان کرمانشاه دارای ماهی‌های فراوان است که اغلب توسط صیادان مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. علاوه بر اینها زمین ریخت‌شناسی زاگرس مرکزی، این امکان را داده است که در حاشیه این رودخانه موقعیت و وضعیت ویژه‌ای به وجود آید. بنابراین رودخانه گاماسیاب نقش اساسی در زندگی اقتصادی و اجتماعی منطقه، بازی می‌کند. از نظر جغرافیای نظامی، وضعیت دشت نهاوند بسیار برجسته‌تر است. دفاع اصلی زاگرس مرکزی همواره از این منطقه صورت گرفته است به طوری که نبرد نهایی ایرانیان در صدر اسلام در دشت نهاوند صورت گرفت. رودخانه در ادامه مسیر خود وارد لرستان شده و به بسیاری از شعبات دیگر ملحق می‌شود؛ تا لرستان به نام سیمره شناخته می‌شود و از لرستان تا خوزستان به نام کرخه معروف است. حاشیه این رودخانه از ابتدای مسیر خود تا انتها محل پیدایش و تکوین فرهنگها و تمدن‌های مهم است که برخی از آنها شهرت جهانی دارد. ارتفاعات گرین و وضعیت چین‌خوردگی‌های زاگرس و زمین ریخت‌شناسی آن، سبب ایجاد سراب‌ها یا چشمه‌های کوهستانی گردیده است که در تمام سال جریان دارند و

کم آبی رودخانه‌ها و سرشاخه‌های فصلی گاماسیاب را جبران می‌کنند.

با توجه به اهمیت این منطقه، در تابستان سال ۱۳۸۴ هیأتی مشترک از دانشگاه تربیت مدرس و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور با مساعدت گروه باستانشناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان اقدام به بررسی استقرارهای عصر مس سنگی و مفرغ دشت نهاوند سرچشمه رودخانه گاماسیاب و مطالعه الگوهای استقراری و زیستگاهی و توزیع آن بر مبنای منابع آبی و زمین ریخت‌شناسی دشت نهاوند نمود. برای مشخص نمودن محوطه‌ها از عدد و برای جلوگیری از اشتباه، برای شهرستان نهاوند از حروف nh استفاده شده است (جدول ۱) و (نقشه‌های ۲، ۳، ۴) روش بررسی به صورت پیمایشی و روش نمونه‌برداری به صورت تصادفی بوده است. از آثار سطحی برای تخمین غنای هر دوره فرهنگی استفاده شده است. برای جلوگیری از هرگونه پیش داوری حداقل وسعت هر محوطه بر مبنای عرصه قابل مشاهده، محاسبه شده است. در اکثر موارد دخل و تصرف کشاورزان و تخریب محوطه‌ها تخمین وسعت نهایی محوطه‌ها را ناممکن می‌ساخت ولی با توجه به غنای آثار دوران مفرغ در محوطه‌های شناسایی شده، مساحت محاسبه شده را می‌توان برای استقرار دوره مفرغ به واقعیت نزدیک دانست. متأسفانه در منطقه گیان با وجود سراب، دشت حاصلخیز و پوشش جنگلی و به طور خلاصه محیط زیست مناسب، محوطه‌های بسیاری بر اثر تجاوزات مکرر روستائیان تخریب شده بود و پوشش جنگلی اطراف سراب گیان بررسی در مکان مزبور را ناممکن می‌ساخت. پیش‌بینی می‌شود حداقل سه محوطه عصر مفرغ در بخش گیان به طور کامل تخریب شده باشد بنابراین تپه گیان تنها محوطه شناخته شده عصر مفرغ در منطقه است که با توجه به حفاریات متناوب و تجاوزات، دیگر نمی‌توان وسعت اولیه آن را تخمین زد (Contenau and Ghirshman) اما با این حال، یک محوطه بسیار شاخص عصر مفرغ در دشت نهاوند محسوب می‌گردد. در هیچ یک از محوطه‌های بررسی شده، اثری از سنگ معدن مس، سرباره و یا نشانه‌هایی از ذوب مس و مفرغ یافت نشد. ملاک دوره‌بندی و گاهنگاری نسبی محوطه‌ها براساس مطالعه سفالهای سطحی بوده است. عصر مفرغ قدیم براساس مطالعه سفالهای دوره گودین IV که در گودین تپه به دست آمده و نمونه‌های آن در غرب و شمال‌غرب ایران شناخته شده و به سفال فرهنگ یانیق یا کورا - ارس و یا ماوراء قفقاز مشهور است تعیین گردید. عصر مفرغ میانی و جدید براساس مطالعه سفالهای دوره گودین III که در گودین تپه به

دست آمد و شباهت بسیار عجیبی به سفالهای بررسی داشت، مشخص شد. برای جلوگیری از هرگونه اشتباه، از تقسیمات ریزتر و ششگانه این طبقه استفاده نشده است (Henrikson). تنها شباهت سفالهای تپه سلگی شریف آباد به سفالهای طبقه III و IV تپه گیان قابل توجه بود به همین علت از طبقه‌بندی گودین تپه که از حفاری علمی مطمئن‌تری به دست آمده برای کلیه محوطه‌ها استفاده گردیده است ("Young Excavations at Godintepe").

در محوطه‌های کهریز صفی‌خانی، بابایی و یزدان، ابزار سنگی فراوانی یافت شد. تمامی این محوطه‌ها در بخش خزل و در نزدیکی رودخانه گاماسیاب و مسیرهای ارتباطی دره کنگاور قرار دارند البته این محوطه‌ها به معادن سنگهای محلی نیز نزدیک هستند. دست افزارهای سنگی در مجموع ۹/۵ درصد تعداد داده‌ها را تشکیل داده‌اند. تعدادی از این ابزارها از سنگ چرت تعدادی از سنگهای نامرغوب آهکی و دو نمونه نیز از جنس افسیدین بوده‌اند. این ابزارها به رنگهای خاکستری، قهوه‌ای، قرمز قهوه‌ای و سفید خاکستری هستند و از لحاظ شکل ظاهر به صورت تیغه‌ها و یا چاقوهای روتوش‌دار، دندانه‌دار، کنگره‌ای و تیغه‌هایی با مقطع دوزنقه‌ای شکل و بیشترین آنها متعلق به دوران مس سنگی هستند.

سفالها به سه دسته خشن، معمولی و ظریف تقسیم شده‌اند؛ تعداد زیادی سفالهای دوران مس سنگی و سفالهای نوع گودین IV که مربوط به مفرغ قدیم هستند و سفالهای گودین III جزو سفالهای معمولی محسوب شده‌اند و ۶۶/۹ درصد از سفالها را تشکیل داده‌اند. سفالهای خشن، ۱۵ درصد سفالها را تشکیل می‌دهند و دارای بدنه ضخیم، سطح صیقل نشده با آمیزه گیاهی و یا مواد دیگر از جنس کانی و رنگ آنها از نخودی تا پوشش کرم و نارنجی، نارنجی تیره، قرمز تیره و قرمز آجری متغیر است. سفالهای ظریف، تنها ۸/۴ درصد از مجموع سفالها را به خود اختصاص داده است. تعدادی از سفالهای عصر مفرغ را سفالهای ظریف تشکیل داده‌اند. لازم به ذکر است قسمتهایی از دشت نهاوند پیش از این توسط باستان‌شناسان خارجی و ایرانی Young, 23-30 و نیز رهبر منتشر نشده و نیز Mason and Copper و نیز کارگر منتشر نشده و نیز محمدی‌فر و مترجم منتشر نشده بررسی شده اما تاکنون به الگوهای استقراری در عصر مس سنگی و مفرغ در ارتباط با سرچشمه گاماسیاب پرداخته نشده است. نتایج آخرین بررسی‌های انجام شده در کنگاور نیز سیمای پیش از مفرغ منطقه را کاملاً دگرگون خواهد ساخت.

مشخصات محوطه‌های عصر مفرغ دشت نهاوند به شرح زیر است:

تپه باباقاسم (سرسام گبری) nh-2 :

تپه باباقاسم در موقعیت جغرافیایی N: 34.04.48.1 و طول جغرافیایی E: 48.27.01.5 و ارتفاع ۱۷۴۳ متری از سطح دریا و در ضلع غربی روستای باباقاسم قرار دارد که به نام تپه سرسام گبری نیز نامیده می‌شود. این محوطه دارای شیبی نامرتب و به هم ریخته از جوانب است و علت آن فرسایش شدید و خاکبرداری‌های مستمر از سطح تپه بوده‌است. ارتفاع بلندترین نقطه تپه از سطح زمینهای اطراف در حدود ۲۴ متر است و وسعت این محوطه در حدود ۵ هکتار است. بهترین راه دستیابی به تپه از طریق جاده آسفالتی روستای بابا قاسم، منشعب از جاده نهاوند - بروجرد است. آثار دوران مس و سنگ قدیم تا جدید و عصر مفرغ در این محل بسیار غنی است. در روی تپه بقایای یک سازه خشتی بزرگ به چشم می‌خورد. جویباری فصلی از کناره شمالی تپه عبور می‌نماید. وجود یک تلمبه‌خانه متروکه و منبع آب، نشانه دیگری از بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی در این محل می‌باشد. این تپه در نزدیکی رودخانه فصلی گاماسیاب می‌باشد. با توجه به بررسی‌های سطحی، استقرار در این محوطه از دوره‌های گودین X تا گودین III بدون وقفه ادامه داشته و ابعاد استقرار در آن در عصر مفرغ به حداکثر خود رسیده است. آثار استقرار در این تپه پس از یک وقفه در دوره تاریخی و اسلامی ادامه یافته است. این تپه را باید یکی از استقرارهای اصلی و شاخص عصر مفرغ و به خصوص مفرغ قدیم و فرهنگ یانیق یا کورا - ارس دانست. پیش از این نیز در بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه به وجود این فرهنگ، اشاره شده بود (Mason and Cooper) و نیز کارگر منتشر نشده).

تپه غسل مست nh-4 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.02.34.6 و طول جغرافیایی E: 48.28.21 و ارتفاع ۱۸۳۳ متری از سطح دریا و در فاصله یک کیلومتری ضلع شرقی روستای فاماسب قرار گرفته و حدود ۱/۵ هکتار وسعت کنونی است. این محوطه استقراری در ۱/۵ کیلومتری رودخانه فاماسب قرار گرفته است. آثار تپه بر اساس سفال سطحی طیفی از دوران مفرغ میانی (گودین III) دوره تاریخی بخصوص اشکانی را شامل می‌شود.

تپه گرک nh-9 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.03.35.5 و طول جغرافیایی E: 48.27.29.1 و ارتفاع ۱۷۹۰ متری از سطح دریا و در کنار روستای گرک در ضلع شمالی روستا و چسبیده به آن، تپه‌ای طبیعی قرار دارد که از اطراف دارای شیب زیاد و بستر آن سنگلاخی و صخره‌ای است، به طوری که از ضلع شرق به شکل یک تپه صخره‌ای به نظر می‌رسد. این تپه طبیعی به صورت بیضی و به طول تقریبی ۲۹۰ و عرض ۲۲۰ متر است و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف و در بالاترین نقطه آن، ۲۸ متر است. بر روی این تپه طبیعی، تعدادی خانه روستایی و راه‌های خاکی وجود دارد. بهترین راه دستیابی به تپه از طریق جاده آسفالت روستای گرک منشعب از جاده اصلی نهند - بروجرد است. این محوطه یکی از محوطه‌های استقرار حوض رودخانه فصلی گاماسیاب محسوب می‌شود که در ضلع شمالی تپه جریان دارد. بر روی سطح و دامنه‌های این تپه بقایای معماری خشتی و گونه‌های متنوعی از سفال مشاهده می‌شود که این محوطه علاوه بر داشتن آثاری از دوره‌های مس و سنگ از نظر آثار عصر مفرغ، یعنی گودین IV و گودین III، غنی است. آثاری از استقرار در عصر آهن و دوره تاریخی و اسلامی در این محوطه به چشم می‌خورد.

تپه بابارستم nh-17 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.08.52.4 و طول جغرافیایی E: 48.23.00.3 و ارتفاع ۱۶۷۰ متری از سطح دریا و در کنار روستای بابارستم و به فاصله ۱۰۰ متری از ضلع شمال شرق روستا در ضلع غربی روستا تپه‌ای طبیعی قرار دارد که در محل به نام تپه بابارستم نامیده می‌شود. از تپه به طول ۱۱۰ متر و عرض ۶۵ متر و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف در بالاترین نقطه ۲۸ متر است. یک چشمه کوچک در گوشه جنوبی تپه و یک سازه کوچک برای تلمبه آب در بالای تپه قرار گرفته است. تپه یک بستر سنگلاخی داشته و بر روی آن قطعات سنگی بین ۳۰ تا ۷۰ سانتیمتر مشاهده می‌شود. در سطح این تپه طبیعی، بقایای چند قبر ساده اسلامی وجود دارد اما در رأس و دامنه‌های تپه گونه‌های متنوعی از سفال، پراکنده است. این محوطه از نظر داشتن آثار مربوط به فرهنگ یانیق یا گودین IV بسیار غنی است. علاوه بر یافته‌های سفالی می‌توان به بقایای صدف استخوان و دست‌افزارهای سنگی اشاره کرد. وضعیت این تپه به گونه‌ای است که تمامی دشت اطراف

و محوطه‌های دیگر را می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

تپه سردوران nh-20 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N:34.12.11.2 و طول جغرافیایی E: 48.15.48.2 و ارتفاع ۱۵۶۸ متری از سطح دریا و در ۵ متری ضلع غربی روستا قرار گرفته و اکنون زیلهدان اهالی محل است. تپه سردوران، دارای شیبی به هم ریخته است چرا که خاک این تپه را برای مصارف گوناگون برده‌اند. ارتفاع سطح تپه در حال حاضر، ۳/۸۰ متر از سطح زمینهای اطراف است و مساحت آن حدوداً سه هکتار می‌باشد. رودخانه گاماسیاب در ۴۵۰ متری شمال این محوطه جریان دارد. این محوطه از نظر داشتن آثار فرهنگ یانیق یا گودین IV بسیار غنی و از نظر داشتن آثار گودین III نیز غنی است. علاوه بر یافته سفال می‌توان به بقایای صدف و استخوان اشاره کرد. با توجه به تخریب عرصه محوطه می‌توان مساحت این محوطه را تا ۵/۵ هکتار هم در نظر گرفت.

تپه گیان nh-24 :

این محوطه دارای شهرت جهانی است. این تپه در نزدیکی سراب و جنگل معروف گیان واقع شده است. وضعیت بسیار مناسب زیست‌محیطی این منطقه، احتمال وجود استقرارهای عصر برنز را در آن، متفی نمی‌سازد اما متأسفانه تخریب محوطه‌های این منطقه امکان اثبات چنین مسأله‌ای را متفی ساخته است. در سالهای اخیر حداقل سه محوطه در این منطقه به طور کامل از میان رفته است.

تعداد محدودی از سفالهای مشخص فرهنگ یانیق یا گودین IV از سطح گیان گزارش شده است (طلایی، باستان‌شناسی و هنر ایران، ۸). فرهنگ موسوم به گیان مربوط به طبقات IV و III است. نفوذ این فرهنگ از حدود سال ۱۹۰۰ ق. م. به بیشتر قسمتهای استان گسترش یافته است. سفالهای منقوش رنگارنگ این فرهنگ پس از بررسی به تعداد انگشت شماری به دست آمده‌اند و در حقیقت، سفالهای به دست آمده از این بررسی با سفالهای فازهای شش‌گانه گودین III شباهت تمام دارد (همان، صص ۱۴-۱۳).

تپه بره فراخ nh-25 :

در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.22.58.6 و طول جغرافیایی E: 48.05.07.09 و ارتفاع ۱۵۱۷ متری از سطح دریا و در فاصله ۵۰ متری روستای بره فراخ تپه‌ای به همین نام قرار دارد که حدوداً ۰/۵ هکتار مساحت و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف، حدود ۷/۲۰ متر است. جاده روستا از کناره شمالی تپه عبور می‌نماید. در ضلع شمالی این تپه، چشمه‌ای جریان دارد. چند قطعه سفال فرهنگ یانیق یا گودین IV و گودین III در این محوطه، به دست آمده است. این محوطه از نظر داشتن سفالهای گودین III غنی است. در این محوطه، سفالهای عصر آهن پارت و سلوکی ساسانی و اسلامی مربوط به قرون میانی نیز دیده می‌شود.

تپه قلعه شیرزاد nh-26 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.24.30.6 و طول جغرافیایی E: 48.10.19.5 و ارتفاع ۱۵۶۶ متری از سطح دریا و در فاصله ۶۵۰ متری ضلع شرقی روستای ده موسی قرار گرفته است مساحت این محوطه در حدود یک هکتار و ارتفاع آن از سطح اراضی شمالی ۶۳۰ متر است. در یک ضلع این محوطه، بستر خشک شده رودخانه قلقل رود ملاحظه می‌شود. در زمان پرآبی این رودخانه، این محوطه در کنار آن شکل گرفته است. گونه‌های متنوعی از سفال بر روی این محوطه پراکنده است؛ این محوطه از نظر داشتن سفالهای گودین IV فرهنگ یانیق تپه بسیار غنی است. همچنین این محوطه، دارای سفالهای فرهنگ گودین III می‌باشد. از انواع داده‌های باستان‌شناختی به سفالهای گودین II دوره‌های تاریخی و اسلامی می‌توان اشاره کرد.

تپه رود حسن آباد nh-27

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.19.56.0 و طول جغرافیایی E: 48.05.37.1 و ارتفاع ۱۵۰۲ متری از سطح دریا و در نزدیکی ضلع شرقی روستای گره‌چقا، تپه‌ای باستانی قرار دارد که در محل به نام رودحسن نامیده می‌شود. مساحت این محوطه، ۰/۵ هکتار و ارتفاع آن از سطح زمینهای غرب تپه ۲ متر و از سطح رودخانه، ۷ متر است. این تپه، درست در حاشیه سیلابی رودخانه قلقل رود و در ضلع جنوبی آن واقع است. گونه‌های

متنوعی از سفال بر روی این محوطه پراکنده است که سفالهای فرهنگ یانیک یا گودین IV آن بسیار غنی است؛ سفالهای فرهنگ گودین III نیز در این محوطه دیده می‌شود. از انواع داده‌های باستان‌شناختی در این محل می‌توان به تعدادی تیغه سنگی اشاره نمود. با توجه به یافته‌های سطحی، این محوطه نیز در دوره‌های مس و سنگ و برنز، مسکون بوده است.

تپه سلگی (تپه بزرگ شریف‌آباد) nh-28 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.18.24.3 و طول جغرافیایی E: 48.06.00.1 و ارتفاع ۱۵۱۶ از سطح دریا و متصل به ضلع غربی روستای شریف‌آباد، تپه‌ای باستانی قرار دارد که در محل به نام تپه بزرگ نامیده می‌شود. ارتفاع این تپه، ۱۷۵ متر از سطح زمین‌های اطراف و مساحت آن در حدود ۳/۵ هکتار است. تپه، دو قسمت است؛ این تپه یکی از مهمترین و بزرگترین تپه‌های دشت نهاوند است که حفاری آن می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از گاهنگاری منطقه ارائه کند. لطمات زیادی به این تپه وارد شده است؛ به عنوان نمونه در بخش غربی در حدود ۳۰۰ متر مکعب از خاک تپه را حمل نموده‌اند. در ۲۰۰ متری ضلع جنوبی این تپه، رودخانه گاماسیاب جریان دارد. انواع سفالهای نخودی منقوش گودین III و سفالهای گودین IV (فرهنگ یانیک) از سفالهای شاخص این محوطه هستند. سفالهای منقوش این محوطه نیز شباهت به سفالهای عصر برنز تپه گیان دارد.

تپه یزدان nh-30 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.20.06.8 و طول جغرافیایی E: 48.01.28.3 از سطح دریا در ضلع جنوب شرقی روستای یزدان، تپه‌ای به همین نام قرار گرفته است. این تپه به صورت بقایای استقرار بر روی ارتفاع طبیعی است و در حدود یک هکتار وسعت دارد. ارتفاع بلندترین نقطه آن از سطح روستای مجاور در حدود ۵/۱۵ متر است. روستای یزدان در دامنه ارتفاعات طبیعی واقع است که این ارتفاعات در شمال آن قرار گرفته‌اند و چشم‌انداز جنوبی آن، دشت نهاوند است. اکثر سفالهای این تپه مربوط به گورین III و به خصوص از نوع نخودی منقوش است؛ دوره گورین IV نیز بسیار غنی است. از دیگر سفالهای آن، سفالهای مربوط به مس سنگی را می‌توان نام برد. از بررسی سطحی این محل، تعدادی تیغه سنگی نیز به دست آمده است.

تپه بابایی nh-31 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N:34.16.46.5 و طول جغرافیایی E:47.58.11.2 واقع در ارتفاع ۱۷۲۵ متری از سطح دریا در محلّ اراضی تاریک دره‌بالا و به فاصله ۳/۵ کیلومتری از ضلع شمالی روستای تاریک دره علیا تپه‌ای باستانی قرار دارد که در محل به نام تپه بابایی نامیده می‌شود، ارتفاع این تپه از سطح زمینهای غربی، ۷ متر است. این اثر در دامنه شیب ارتفاعات شمال روستای تاریک دره‌بالا واقع شده است. در ۱۵۰ متری این محل، چشمه سراب کنگاور کهنه جاری است. وجود قطعات سنگی لاشه‌ای، حاکی از وجود یک بنای سنگی درون تپه است. این محوطه از چهار طرف در محاصره کوهها قرار گرفته است. گونه‌های متنوعی از سفال و بقایای معماری و همچنین ابزار سنگی از این محل به دست آمده و با اینکه مساحت این محوطه در حدود ۰/۳ هکتار است اما با این وجود از نظر وجود آثار دوره‌های گودین III و IV فرهنگ یانیق غنی است.

تپه کهریز صفی خانی nh-32 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.19.10.9 و طول جغرافیایی E: 48.10.32.8 و ارتفاع ۱۵۳۲ متری از سطح دریا و در نزدیکی روستای کهریز صلاح‌الدین و در فاصله ۱۰۰ متری در حاشیه اراضی کشاورزی قرار داشته و تقریباً ۰/۶ هکتار مساحت دارد. ارتفاع این تپه از سطح زمینهای اطراف، حدود ۷۲۰ متر است. این تپه به شدت آسیب دیده است به طوری که بیش از هفتاد درصد آن از میان رفته و رودخانه گاماسیاب در ۳ کیلومتری جاری است اما سطح آب منابع زیرزمینی در این محل و بالاست. گونه‌های متنوعی از سفال و بقایای معماری خشتی در این محل، پراکنده است. دوره‌های فرهنگی مربوط به مس سنگی گودین IV فرهنگ نیک و گودین III در این محل، قابل تشخیص است.

تپه کوچک شریف‌آباد nh-33 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.18.50.5 و طول جغرافیایی E: 48.05.81.6 و ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا در غرب روستای شریف‌آباد و در فاصله ۸۰ متری از ضلع غربی تپه سلگی تپه‌ای باستانی قرار دارد که در محل به نام تپه کوچک نامیده می‌شود. این تپه در حدود ۰/۶ هکتار مساحت داشته و ارتفاع آن از سطح جاده شوسه ضلع جنوبی، ۱/۶۰

متر است؛ آثار این تپه شباهت به آثار تپه سلگی دارد.

تپه گبرگور نصیب nh-34 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.16.192 و طول جغرافیایی E: 48.00.838 و در ارتفاع ۱۸۴۷ متری از سطح و در نزدیکی روستای گور نصیب قرار دارد. وسعت آن در حدود ۰/۵ هکتار و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف تقریباً ۶ متر است. دوره‌های قابل تشخیص در این تپه، دوره‌های مس سنگ قدیم و جدید و دوره مفرغ قدیم یا گودین IV (فرهنگ یانیق) هستند.

تپه بزرگ شیرآوند nh-35

این تپه در موقعیت جغرافیایی N: 34.16.535 و طول E: 48.06.013 و ارتفاع ۱۵۹۳ متری از سطح دریا قرار گرفته و در حدود ۰/۲ هکتار مساحت دارد و ارتفاع آن از سطح جاده روستایی در حدود ۲ متر است. این تپه در نزدیکی روستای شیرآوند قرار گرفته است. دوره‌های قابل تشخیص آن، مس سنگی قدیم، مس سنگی جدید و دوره مفرغ قدیم یا گودین IV است.

تپه در آوچ شیرآوند nh-36 :

این تپه در موقعیت عرض جغرافیایی N: 34.17.340 و طول جغرافیایی E: 48.06.737 و در نزدیکی روستای شیرآوند قرار دارد. ارتفاع آن ۱۵۳۳ متر از سطح دریا و در حدود ۰/۵ هکتار مساحت و ارتفاع آن از سطح جاده خاکی مجاور آن در حدود ۴ متر است. این تپه علاوه بر آثار مس سنگی میانی، آثاری از دوران مفرغ قدیم را نیز دربردارد. به جز اینها آثار دوره‌های میانی و متأخر اسلامی نیز در این تپه موجود است.

نتیجه:

آغاز هزاره سوم میلادی در خاورمیانه همزمان با تحولات و تغییرات عظیم در جمعیت، استقرار، روابط اجتماعی و پیشرفت فنون صنعتی است. این دگرگونی‌ها را مقدمه ورود به دوره‌ای از تاریخ بشر دانسته‌اند که آغاز شهرنشینی نام گرفته است. این دگرگونی‌ها در همه‌جای فلات ایران، یکسان و همگن نبوده است به همین علت از اصطلاح عصر

مفرغ برای بیان و تفسیر واقع‌بینانه رویدادهای قسمت‌های خاصی از این فلات استفاده می‌شود که زاگرس مرکزی نیز از آن جمله است. دشت نهاوند که قسمتی از زاگرس مرکزی است در دوران مفرغ، یک حوزه فرهنگی و جغرافیایی خاصی را تشکیل داده که با داشتن شاخصی بومی و محلی با حوزه‌های فرهنگی همجوار ارتباط داشته است. به نظر می‌رسد جغرافیا و محیط در شکل‌گیری فرهنگهای منطقه در تمام دوران‌های پیش از تاریخ، مؤثر بوده است. گودین IV معرف مفرغ قدیم یا فرهنگ یانیق است که نشان‌دهنده گسترش فرهنگ عصر مفرغ قدیم شمال غرب ایران به زاگرس مرکزی است. با توجه به گسیختگی زمانی چندصدساله بین دوره‌های V و IV تپه گودین، تاریخ نسبی بین ۲۹۵۰ تا ۲۴۰۰ ق. م. را می‌توان برای دوره IV تپه گودین در نظر گرفت (طلایی، عصر مفرغ در ایران، منتشر نشده).

گودین تپه را به عنوان جنوبی‌ترین نقطه پیشروی فرهنگ یانیق و نقطه توقف آن دانسته‌اند (فاضلی و آجورلو، ۱۸۵) دوره گودین IV یا دوره یانیق در دشت کنگاور مشتمل بر ۱۵ محوطه و وسعت نواحی این دوره بالغ بر ۳۶ هکتار است در این دوره، اندازه متوسط محوطه‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته و به حدوداً ۲/۳۰ هکتار رسیده است. دو محوطه نیز وجود دارند که بین ۵ تا ۱۰ هکتار مساحت دارند (Young, 23-30).

در دشت نهاوند و در طی بررسی ۱۵ استقرار فرهنگ یانیق مورد شناسایی قرار گرفته است گرچه بیشتر محوطه‌ها کمتر از یک هکتار وسعت دارند با این حال وسعت نواحی این دوره در حدود ۲۵ هکتار است. بسیار روشن است که در توزیع استقرارهای فرهنگ یانیق در دشت نهاوند، حاصلخیزی خاک، نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته است و شاید این مسأله، دلیلی بر کوچرو بودن این اقوام باشد (نقشه ۲). به نظر می‌رسد تعدادی از محوطه‌های مربوط به فرهنگ یانیق در منطقه نور آباد لرستان مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که حد پیشروی این فرهنگ را به سمت جنوب افزایش دهند (گاراژیان، منتشر نشده).

در بررسی دشت کنگاور توسط دکتریانگ در حدود ۱۷۰ تپه و اثر باستانی شناسایی گردیده است که به طور طبیعی به حاصلخیزی خاک و قرار گرفتن کنگاور در مسیر راههای باستانی باز می‌گردد (محمدی، فر، ۳۳) در حالیکه ۱۵ محوطه دارای فرهنگ یانیق در دشت نهاوند از میان ۳۶ محوطه بازدید شده، شناسایی گردیده‌اند (نقشه ۲). از نظر منابع آبی با وجود سراب‌ها به نظر می‌رسد شرایط مساوی حکمفرما باشد. چنین به نظر می‌رسد که توزیع استقرارهای

فرهنگ یانیق در دشت نهاوند به فرهنگ کوچروی این اقوام وابسته بوده باشد. یانگ، ۶ محوطه گودین VI را در دشت کنگاور معرفی کرده است (Young, Kangavar Survey, 652). قابل توجه است که در بررسی دشت نهاوند نیز تنها ۷ محوطه دارای سفال مس سنگی جدیدی در مورد شناسایی قرار گرفته و هیچ سفال لبه‌وارخته‌ای نیز در بررسی‌ها دیده نشده است. آلدن معتقد است که نفوذ فرهنگ یانیق به زاگرس، ارتباط فلات ایران و بین‌النهرین را از هم گسیخته و در نتیجه فرصتی برای رشد اقتصادی فرهنگ پرتو ایلامی در ناحیه خوزستان را پدید آورده است (آلدن، ۳۲۸).

نتایج به دست آمده از آزمایشات پتروگرافی سفالهای دوره IV/V تا III گودین تپه و همچنین بابا قاسم نهاوند نشان می‌دهد که سفال اروک جدید گودین تپه با نمونه‌های گودین III و II همخوانی داشته و تولید محلی است. تجزیه و تحلیل سفالهای طبقه IV را دلیلی بر وجود مهاجرین و یا افراد کوچرو دانسته‌اند (Mason and Cooper, 27).

گودین دوره III به شش فاز تقسیم گردیده که فاز ۶ III آن، قدیمترین نوع آن محسوب می‌شود. توزیع محوطه‌های باستانی مرتبط با گودین III را در شش منطقه جغرافیایی زاگرس مرکزی مورد توجه قرار داده‌اند که شرق منطقه در کوه‌گرین از آن جمله است.

در منطقه کنگاور بین همدان و کرمانشاه ۵۷ محوطه مرتبط با گودین III شناسایی شده که نشان‌دهنده افزایش جمعیت در دوره گودین III در این بخش از زاگرس مرکزی است (طلایی، منتشر نشده). در دشت نهاوند، تعداد محوطه‌های دارای دوره گودین III تنها ۱۳ محوطه است که تغییرات قابل توجهی را نشان نمی‌دهد.

درحالی‌که سفالهای گودین III همگونی کامل را در دشت نهاوند و کنگاور نشان می‌دهد، با این حال تنها مزیت برتر دشت کنگاور، خاک حاصلخیز و نزدیکی به راه‌های مواصلاتی بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که رودخانه گاماسیاب با نزدیک شدن به دره کنگاور پرآب‌تر شده و نقش مهمتری در تشکیل استقرارهای عصر مفرغ به خصوص در دوره گودین III بر عهده داشته است در کل سه محوطه شاخص را می‌توان برای استقرارهای مس سنگی و مفرغ دشت نهاوند تشخیص داد؛ الف) تپه باباقاسم؛ ب) تپه گیان نهاوند و ج) تپه سلگی شریف‌آباد. این هر سه محوطه، دارای منابع آبی فراوان هستند. شرایط ویژه جغرافیایی دشت نهاوند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در فرآیند تغییرات و الگوهای استقراری داشته است. آب

و عوارض طبیعی را می‌توان دو عامل اصلی شکل‌دهنده استقرارهای عصر مس سنگی و مفرغ دشت نهاوند دانست. رودخانه گاماسیاب تقریباً در وسط دشت جاری است اما در سمت شرق دشت، منابع آبی کمتر بوده و بنابراین بیشتر استقرارها در سمت غرب دشت نهاوند متمرکز شده‌اند. منابع آبی دشت، متنوع و به صورت‌های زیر هستند:

۱- سراب‌ها و رودخانه‌های دائمی گاماسیاب:

این رودخانه در حقیقت یک چشمه زیرزمینی است که از پایین غار گاماسیاب که در ارتفاعات گرین قرارداد سرچشمه می‌گیرد. شاید استقرارهایی از دوره مفرغ در زیر رسوبات نزدیک این غار، پنهان شده باشد. رودخانه خرچنگ‌رود و رودخانه فصلی گاماسیاب به آب سراب گاماسیاب افزوده شده و رودخانه گاماسیاب را به وجود آورده است.

۲- چشمه‌های دامنه ارتفاعات و کوهپایه‌ها:

در اثر شیب منابع آب زیرزمینی و برف ارتفاعات گرین تراوشهایی از آب در دامنه‌ها دیده می‌شوند که پوشش‌های گیاهی را ایجاد می‌کنند. این چشمه‌ها مورد استفاده اقوام کوچ‌نشین بوده و در اطراف آن معمولاً سفالهای دوره تاریخی به‌خصوص پارسی، پراکنده هستند.

۳- چاهها و منابع آب زیرزمینی:

علاوه بر نزدیکی محوطه‌ها به رودخانه گاماسیاب، سفره‌های زیرزمینی آب در برخی محوطه‌ها غنی و در نزدیکی سطح قراردادند. این محوطه که از دو نوع منبع آبی برخوردارند از نظر فرهنگی بسیار غنی هستند.

علاوه بر این، محوطه‌های شناسایی شده را می‌توان از نظر موقعیت مکانی در سه گروه زیر قرار داد:

الف) محوطه‌های دامنه شیب تپه‌ها و کوهپایه‌ها که بر مسیر کوچ‌های عشایری منطبق بوده و آثار دوران تاریخی دارند؛

ب) محوطه‌هایی که بر روی تپه‌های طبیعی که بعضاً دارای بستر صخره‌ای هستند دیده می‌شوند؛ این محوطه‌ها آثار دوره‌های مختلف را در خود جای داده‌اند و در نزدیکی و یا زیر آنها چشمه‌هایی دیده می‌شوند. تعدادی از استقرارهای عصر مفرغ در چنین مکانهایی

دیده می‌شوند. نکته قابل توجه، موقعیت این محوطه‌هاست؛ از این محوطه‌ها می‌توان دشت ویا استقرارهایی دیگر را زیرنظر قرارداد و این محوطه‌ها از یک یا چندطرف محصور شده‌اند؛ (ج) تپه‌های مصنوعی درکنار و یا نزدیکی رودخانه گاماسیاب که از منابع آب زیرزمینی نیز برخوردار هستند؛

از مجموع ۳۶ محوطه بررسی شده، ۲۲ محوطه مربوط به دوره مس سنگی، ۱۶ محوطه دارای آثار دوره مفرغ، ۱۲ محوطه دارای فرهنگ‌های عصر آهن، ۲۹ محوطه دارای آثار دوران تاریخی است که از میان آثار آنها دوران پارت از همه شاخص‌تر است و ۱۸ محوطه دارای آثار اسلامی است.

جدول ۱: مشخصات محوطه‌های عصر مفرغ دشت نهاوند

ردیف	نام محوطه	دوره مس سنگی	مفرغ قدیم گودین IV	مفرغ میانی - جدید گودین III	ارتفاع سطح دریا (متر)	مساحت (هکتار)
۱	بابا قاسم nh-2	+	+	+	۱۷۴۳	۵
۲	عسل مست nh-4	-	-	+	۱۸۳۳	۱/۵
۳	گرک nh-9	+	+	+	۱۷۹۰	۴۶
۴	بابا رستم nh-17	+	+	-	۱۶۷۰	۰/۷
۵	سردوران nh-20	-	+	+	۱۵۶۸	۳
۶	گیان nh-24	+	؟+	+	~۱۶۰۰	۴
۷	بره فراخ nh-25	-	+	+	۱۵۱۷	۰/۶
۸	رود nh-27	+	+	+	۱۵۰۲	۰/۵
۹	سلگی nh-28	+	+	+	۱۵۱۶	۳/۵
۱۰	یزدان nh-30	+	+	+	۱۵۱۸	۱
۱۱	بابایی nh-31	+	+	+	۱۷۲۵	۰/۳
۱۲	صفی خانی nh-32	+	+	+	۱۵۳۲	۰/۶
۱۳	کوچک ش.ا nh-33	+	+	+	~۱۵۰۰	۰/۶
۱۴	گور نصیب nh-34	+	+	-	۱۸۴۷	۰/۵
۱۵	بزرگ شیرآوند nh-35	+	+	-	~۱۵۹۳	۰/۲
۱۶	درآوج شیرآوند nh-36	+	+	-	~۱۵۳۳	۰/۵

و عوارض طبیعی را می‌توان دو عامل اصلی شکل‌دهنده استقرارهای عصر مس‌سنگی و مفرغ دشت نهاوند دانست. رودخانه گاماسیاب تقریباً در وسط دشت جاری است اما در سمت شرق دشت، منابع آبی کمتر بوده و بنابراین بیشتر استقرارها در سمت غرب دشت نهاوند متمرکز شده‌اند. منابع آبی دشت، متنوع و به صورت‌های زیر هستند:

۱- سراب‌ها و رودخانه‌های دائمی گاماسیاب:

این رودخانه در حقیقت یک چشمه زیرزمینی است که از پایین غار گاماسیاب که در ارتفاعات گرین قرارداد سرچشمه می‌گیرد. شاید استقرارهایی از دوره مفرغ در زیر رسوبات نزدیک این غار، پنهان شده باشد. رودخانه خرچنگ‌رود و رودخانه فصلی گاماسیاب به آب سراب گاماسیاب افزوده شده و رودخانه گاماسیاب را به وجود آورده است.

۲- چشمه‌های دامنه ارتفاعات و کوهپایه‌ها:

در اثر شیب منابع آب زیرزمینی و برف ارتفاعات گرین تراوشایی از آب در دامنه‌ها دیده می‌شوند که پوشش‌های گیاهی را ایجاد می‌کنند. این چشمه‌ها مورد استفاده اقوام کوچ‌نشین بوده و در اطراف آن معمولاً سفالهای دوره تاریخی به خصوص پارتنی، پراکنده هستند.

۳- چاهها و منابع آب زیرزمینی:

علاوه بر نزدیکی محوطه‌ها به رودخانه گاماسیاب، سفره‌های زیرزمینی آب در برخی محوطه‌ها غنی و در نزدیکی سطح قرار دارند. این محوطه که از دو نوع منبع آبی برخوردارند از نظر فرهنگی بسیار غنی هستند.

علاوه بر این، محوطه‌های شناسایی شده را می‌توان از نظر موقعیت مکانی در سه گروه زیر قرار داد:

الف) محوطه‌های دامنه شیب تپه‌ها و کوهپایه‌ها که بر مسیر کوچ‌های عشایری منطبق بوده و آثار دوران تاریخی دارند؛

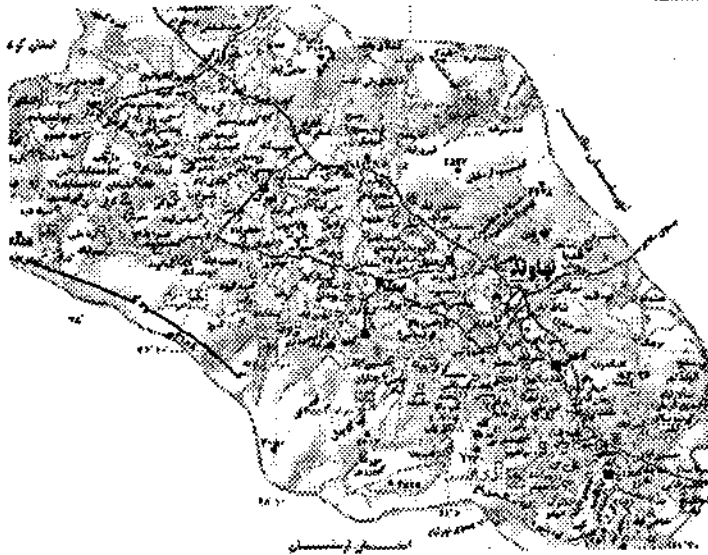
ب) محوطه‌هایی که بر روی تپه‌های طبیعی که بعضاً دارای بستر صخره‌ای هستند دیده می‌شوند؛ این محوطه‌ها آثار دوره‌های مختلف را در خود جای داده‌اند و در نزدیکی و یا زیر آنها چشمه‌هایی دیده می‌شوند. تعدادی از استقرارهای عصر مفرغ در چنین مکانهایی

دیده می‌شوند. نکته قابل توجه، موقعیت این محوطه‌هاست؛ از این محوطه‌ها می‌توان دشت ویا استقرارهایی دیگر را زیرنظر قرارداد واین محوطه‌ها از یک یاچندطرف محصور شده‌اند؛ (ج) تپه‌های مصنوعی درکنار و یا نزدیکی رودخانه گاماسیاب که از منابع آب زیرزمینی نیز برخوردار هستند؛

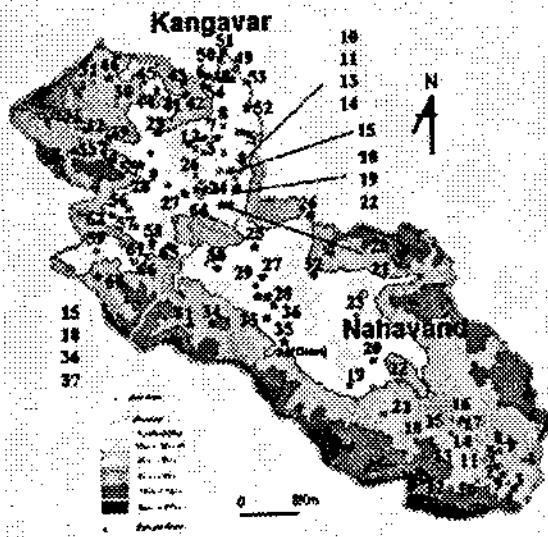
از مجموع ۳۶ محوطه بررسی شده، ۲۲ محوطه مربوط به دوره مس سنگی، ۱۶ محوطه دارای آثار دوره مفرغ، ۱۲ محوطه دارای فرهنگ‌های عصر آهن، ۲۹ محوطه دارای آثار دوران تاریخی است که از میان آثار آنها دوران پارت از همه شاخص‌تر است و ۱۸ محوطه دارای آثار اسلامی است.

جدول ۱: مشخصات محوطه‌های عصر مفرغ دشت نهاوند

ردیف	نام محوطه	دوره مس سنگی	مفرغ قدیم گودین IV	مفرغ میانی - جدید گودین III	ارتفاع سطح دریا (متر)	مساحت (هکتار)
۱	بابا قاسم nh-2	+	+	+	۱۷۴۳	۵
۲	عسل مست nh-4	-	-	+	۱۸۳۳	۱/۵
۳	گرک nh-9	+	+	+	۱۷۹۰	۴۶
۴	بابا رستم nh-17	+	+	-	۱۶۷۰	۰/۷
۵	سردوران nh-20	-	+	+	۱۵۶۸	۳
۶	گیان nh-24	+	+	+	~۱۶۰۰	؟
۷	بره فراخ nh-25	-	+	+	۱۵۱۷	۰/۶
۸	رود nh-27	+	+	+	۱۵۰۲	۰/۵
۹	سلگی nh-28	+	+	+	۱۵۱۶	۳/۵
۱۰	یزدان nh-30	+	+	+	۱۵۱۸	۱
۱۱	بابایی nh-31	+	+	+	۱۷۲۵	۰/۳
۱۲	صفی خانی nh-32	+	+	+	۱۵۳۲	۰/۶
۱۳	کوچک ش. آ nh-33	+	+	+	~۱۵۰۰	۰/۶
۱۴	گور نصیب nh-34	+	+	-	۱۸۴۷	۰/۵
۱۵	بزرگ شیرآوند nh-35	+	+	-	~۱۵۹۳	۰/۲
۱۶	درآوج شیرآوند nh-36	+	+	-	~۱۵۳۳	۰/۵

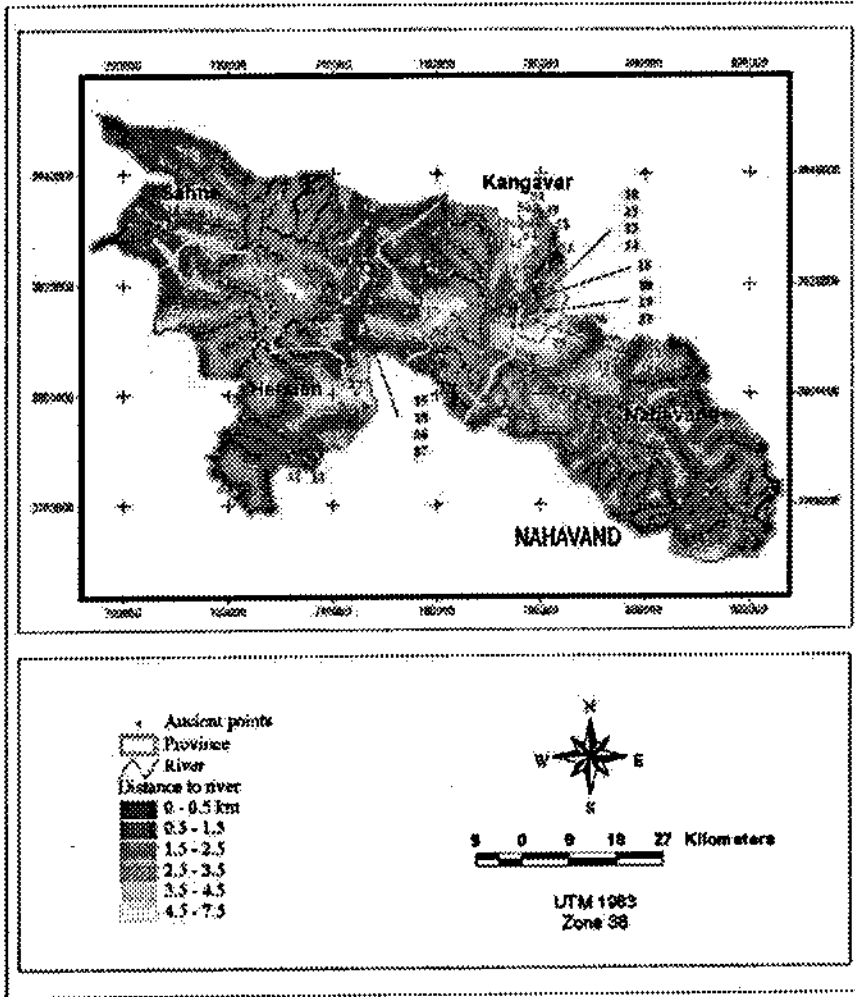


نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی دشت نهاوند



نقشه پراکنده‌گی محوطه‌های عصر مفرغ شهرستانهای نهاوند (nh) و کنگاور

نقشه ۲: پراکنده‌گی محوطه‌های عصر مفرغ شهرستانهای نهاوند (nh) و کنگاور



نقشه ۱: پراکنندگی محوطه‌ها به نسبت فاصله با رودخانه‌ها در شهرستانهای نهاوند، کنگاور،

صحنه و هرمین

منابع:

- ۱- آلدن، جان، دوره شوش III باستان‌شناسی غرب ایران، ویرایش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، سمت، ۱۳۸۱ ه. ش.
 - ۲- رهبر، مهدی، بررسی باستان‌شناسی منطقه کنگاور، گزارش نماینده سازمان از بررسی دکتر یانگ، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ۱۳۵۴ ه. ش.
 - ۳- فاضلی نشلی، حسن و آجورلو، بهرام، «درآمدی بر بسط فرهنگ کورا - ارس در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد در دشت قزوین»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران؛ حوزه شمال غرب، پژوهشکده باستان‌شناسی ۱۳۸۳ ه. ش.
 - ۴- فرهنگ جغرافیایی همدان، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۶ ه. ش.
 - ۵- کارگر، بهمن، گزارش بررسی باستان‌شناسی همدان و رزن، مرکز اسناد میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، ۱۳۶۷ ه. ش.
 - ۶- گاراژیان، عمران، گزارش بررسی و شناسایی نورآباد لرستان، فصل اول و دوم، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ ه. ش.
 - ۷- طلایی، حسن، «باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، سمت، ۱۳۷۴ ه. ش.
 - ۸- _____، عصر مفرغ در ایران، منتشر نشده، (زیر چاپ انتشارات سمت)، ۱۳۸۵ ه. ش.
 - ۹- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم عباس، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان نهاوند؛ بخش خزل، فصل اول، ۱۳۸۲ ه. ش.
 - ۱۰- محمدی‌فر، یعقوب، «نگاهی به گاهنگاری دشت کنگاور از آغاز تا دوران گودین III»، مجله پیام باستان‌شناس دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد ابهر، سال دوم ۱۳۸۴ ه. ش.
- 11-Contenau, J. & R. Ghirshnan, 1935 "Fouilles de Tepe Gian" Paris: Paul Guthner
12-Henrikson, R 1987 "Godin III and the chronology of central Western Iran ..." the Archaeology of Western Iran. ed. Frank Hole, Smithsonian.
13-Mason, R. B. and L. Cooper 1999 "Grog petrography and Early Trans-Caucasian at Godin tepe, Iran 37: 25-31.
14-Young T.C.J, 1969 * Excavations at Godintepe: First Progress Report, Royal Ontario Museum.
15-Young T.C. Jr 1975, pp. 23-30 (Third symposium). Tehran.
16-Young T.C. 2004, "Kangavar Survey -Periods VI-IV". In A view from the Highlands: Archaeological studies in honor of Charles Burney, Netherlands 645-660.

